

ضمایر [آنها]

موش‌ها دوباره شهر را شلوغ می‌کنند

مرضیه برومند نشست پشت میز تحریرش و «شهر موش‌ها»ی ۳ را آغاز کرد

می‌گویند قرار بوده یک برنامه عروסקی ساده و جمع و جور تلویزیونی باشد برای تشویق بچه‌ها به مدرسه رفتن. لابد خودشان، یعنی مرضیه برومند و حمید جبلی و ایرج طهماسب و فاطمه معتمدآریا و نیما فلاح هم فکر نمی‌کردند برنامه‌ای که در آغاز دهه ۶۰ برای بچه‌ها در تلویزیون درست می‌کنند در آینده قرار است سینما را هم درنوردد و یکی از پرفروش‌ترین و مهم‌ترین سینمایی‌های تاریخ سینمای ایران شود. حالا «شهر موش‌ها» ۴۰ساله است؛ چنین حیاتی را پس از آن برنامه تلویزیونی پشت سر گذاشته که نسخه اولش سال ۱۳۶۴ به کارگردانی سینمایی محمدعلی طالبی و کارگردانی عروסקی مرضیه برومند اکران شده و نسخه دومش هم ۲۹ سال بعد در سال ۹۳. اما نگران نباشید، برای تماشای سومین شهر موش‌ها قرار نیست سه دهه صبر کنید. دیروز خبر رسید مرضیه برومند نشستۀ پشت میز تحریرش و نوشتن شهرموش‌های ۳ را آغاز کرده است.

خبر را روابط عمومی بنیاد سینمایی فارابی مخابره کرده و نوشته: «با انعقاد قرارداد نگارش فیلمنامه شهر موش‌ها ۳ بین مرضیه برومند و بنیاد سینمایی فارابی، این کارگردان و فیلمنامه‌نویس سینمای کودک و نوجوان، کار نگارش سومین قسمت از این فیلم عروסקی موفق را آغاز کرد.

باید منتظر ماند و دید سری سوم نیز پرفروش محبوب خواهد شد یا نه. قسمت اول شهر موش‌ها به تهیه‌کنندگی بنیاد سینمایی فارابی سال ۱۳۶۴ و در پی موفقیت برنامه تلویزیونی مدرسه موش‌ها، به‌کارگردانی مرضیه برومند با همکاری محمدعلی طالبی ساخته شد که جزو پرمخاطب‌ترین آثار سینمای ایران در آن دهه محسوب می‌شود. این اتفاق برای سری دوم شهر موش‌ها هم افتاد.

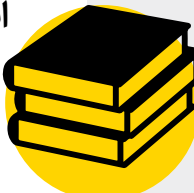
این سری، با استفاده از شخصیت‌هایی از نسل بعدی موش‌های نسخه قدیمی، در سال ۹۳ به کارگردانی مرضیه برومند و با مشارکت بنیاد سینمایی فارابی ساخته شد و این بار به‌عنوان فیلم رکوردشکن دهه ۹۰ به ثبت رسید. در شهر موش‌های ۲، موش‌ها ۳۰سال بزرگ‌تر شده بودند. موش چاق و پرخور شهر موش‌ها که کپل نام داشت، پس از ۳۰ سال ازدواج کرده بود. او با نارنجی موش بسیار عشوه‌ای شهر موش‌ها ازدواج کرده بود. آنها دو فرزند به نام‌های صورتی و کپلک داشتند. کپل یک رستوران به نام رستوران کپل خان و پیک کافی‌شاپ داشت. نارنجی عمل‌های جراحی زیادی را روی صورت و گونه‌های خود انجام داده بود و دوست نداشت کارهای خانه را انجام دهد و....

منتظر باشید؛ آنها قرار است بازمهم شهر را شلوغ کنند... کپل، دم‌باریک، دم‌دراز، معلم، قاصد، موش‌موشک، عینکی، گوش‌دراز، نارنجی و خواهر عینکی، خوشخواب، موشی، صورتی، کپلک، تاژیانو، مشکی، خوش‌خنده، خانم کلنل، شیپور، گلایی، نخودچی، برفک، باباموش، ذره‌بین، عدسی، کوراالموش و ده‌ها موش دوست‌داشتنی دیگر.



انتشار یک آلبوم بی‌کلام

«و چشمانم خواب را گرفته است» عنوان یکی از تازه‌ترین آلبوم‌های منتشر شده در بازار موسیقی است، آلبومی بی‌کلام که فریدون بهرامی آن را منتشر کرده است. و چشمانم خواب را گرفته است، کلافگی، خاطرات هرگز نمی‌میزند، راز، خیانت، نجواهای شبانه، انتقال، سایه و درخشنده اسامی قطعاتی هستند که در این آلبوم گنجانده شده‌اند. / مهر



ترامپ کتابخوان یا کتاب نخوان؟

ما که آخرش نفهمیدیم جناب پرزیدنت کتاب می‌خواند یا نه، در حالی که خیلی‌ها می‌گویند ترامپ حتی گزارش‌های دولتی و سیاسی را نمی‌خواند و سواد چندانی ندارد، خود او گفته است کتاب بحث‌برانگیز باب وودوارد را خوانده و به نظرش کتاب «حوصله سر بری» است. تا به حال گزارش‌های بسیاری منتشر شده که حاکی از این بوده‌اند که ترامپ چیزی نمی‌خواند. این گزارش‌ها گفته‌اند ترامپ نه تنها کتاب، بلکه گزارش‌های اطلاعاتی نوشته شده برای شخص خودش را هم نمی‌خواند. / مهر

روز سال

کارشناس رنج

از دوستان رفتیم به تبریز برای ملاقات استاد در خانه‌اش. آن روز دلخور بود؛ از برخی روزنامه‌ها در راستای آثار و نقش او در فرهنگ و ادب کشور بنویسند به زندگی شخصی و حریم خصوصی او بسیار رنجانده بود. دیدار بعدی پنج سال به تعویق افتاد؛ به مراسم تشییع پیکرش، مردم تبریز و ترین تجمعات تاریخ آذربایجان را ترتیب داده بودند. دسته جمعی شعرهایش را می‌خواندند و او را کردند: «شهریارا بی‌حبیب خود نمی‌کردی سفر / این سفر راه قیامت می‌روی تنها چرا»

بریزی، سال ۱۲۸۵ شمسی به دنیا آمده بود در همین شهری که حالا مردمانش او را روی دوش تر در روستاهای تبریز به ویژه روستای آبآ و اجدادای‌اش خشک‌ناپ گذرانده بود؛ همان روستایی

سلام» دقیق و زیبا توصیفش کرده است. در ۱۵ سالگی به تهران رفته و در دارالفنون به تحصیل ن‌که تمام کند آن را رها کرده و به استخدام بانک درآمده بود. آدم عجیبی بود و این، یکی از عجایب ن شعر و برای نخستین مجموعه شعرش هم ملک الشعرای بهار و سعید نفیسی دست‌به‌قلم را با مطلع «علی‌ای همای رحمت» بیشتر می‌شناسند، اما منظومه «حیدرآبایه سلام» او که به زبان

با برد؛ به پیش از ۸۰ زبان زنده دنیا ترجمه شد، هرچند هنوز ترجمه کاملاً دقیق و درخوری به فارسی



مناقشه قدیمی

به‌اضافه این‌که ...

از همان سالی که با رایزنی نماینده شعردوست مردم تبریز در ششمین دوره مجلس شورای اسلامی، سالوز درگذشت شهریار، در تقویم به‌عنوان روز ملی شعر و ادب فارسی نامگذاری شد، این نامگذاری همواره مناقشه‌برانگیز بوده‌است. رسانه‌ها و مخاطبان‌شان دودهنه است عادت کرده‌اند در این روز، عده‌ای در موافقت و عده‌ای دیگر در مخالفت با این تصمیم سخن بگویند. حتی خود آقای نماینده شعردوست که اتفاقاً نام خانوادگی‌اش هم همین «شعردوست» است و در همین صفحه ما هم با او به گفت‌وگو نشست‌ایم، بارها در این‌باره توضیح داده است. ما نخواستیم این پرونده را دوباره باز کنیم. منتها طی نظرسنجی ما از شاعران و اهالی ادبیات، دو تن از آنان، در این‌باره حرف زده‌اند که نقل‌شان خالی از لطف نیست. یکی‌شان مصطفی علی‌پور است به‌عنوان مخالف و دیگری افشین علا به‌عنوان موافق.

نه!

مصطفی علی‌پور که شاعر است برای ما نوشته: «در سرزمینی که رودکی و فردوسی و مولانا و عطار و خیام و نظامی و سعدی و حافظ و ... نیما و اخوان و شاملو و سپهری و فروغ فرخزاد و ... را داریم، انتساب روز شعر فارسی به استاد شهریار، گمان می‌کنم برای خود استاد شهریار - اگر در قید حیات بود - هم شگفت‌آور و باورنکردنی بود. استاد شهریار محبوب بی‌شماران از مردم

است بی‌تردید. نه تا آن مایه که از میان خیل عظیم شاعران افسانه‌ای ادب فارسی، روز درگذشت ایشان، روز شعر فارسی انتخاب شود.»

چرا که نه!

افشین علا هم شاعر است اما مخالفی با این نامگذاری ندارد؛ انتخاب شهریار را برای نماد این روز مناسب می‌دانم. البته به‌جهت معاصر بودنش،

نه آن‌که در تاریخ ادبیات هم بهترین باشد. در بین معاصران، او را جامع‌الاطراف می‌بینم.



از اهالی ادبیات پرسیده‌ایم در این سال‌ها بیشتر دل درگرو آثار چه شاعرانی داشته‌اند؟

همه شاعران محبوب من

کارشناس	شاعر محبوب
محمدکاظم کاظمی	قیصر امین‌پور و علی معلم
سعید بیابانکی	قیصر امین‌پور
سینا دادخواه	غلامرضا بروسان
سیدحسین متولیان	قیصر امین‌پور
امید مهدی‌نژاد	علی معلم دامغانی
عطیه عطارزاده	شهرام شیدایی، رضا براهنی
آرش شفائی	نیما، اخوان، شاملو و فروغ
مصطفی علی‌پور	نیما یوشیج
افشین علا	نیما، شهریار، اخوان، فروغ و سیمین بهبهانی
قاسم آهنین جان	نیما، اخوان و بهرام اردبیلی
هرمز علی‌پور	نیما، منوچهر آتش، فروغ، حسین منزوی
رضا اسماعیلی	شهریار، پروین اعتصامی، طاهره صفارزاده
ناصر فیض	حسین منزوی، علی موسوی گرمارودی سیدحسن حسینی، علی معلم
مصطفی رحماندوست	شهریار، اخوان، شاملو
مصطفی محدثی خراسانی	قیصر امین‌پور، علی معلم، سیدحسن حسینی علی موسوی گرمارودی
نغمه مستشار نظامی	محمدعلی به‌همنی، علیرضا قزوه، مصطفی محدثی خراسانی
اسماعیل آذر	شهریار و قیصر امین‌پور

فیلم‌های قدیمی و کلاسیک مخالفم. این فیلم‌ها

برای یک‌بار ساخته شده و تمام شده‌اند. آنها جزو خاطره جمعی مردم هستند و نباید این خاطره را دستکاری کرد. به باور من، هیچ‌یک از فیلم‌های قدیمی نباید دوباره‌سازی شوند و باید به اصالت آنها احترام گذاشت. قانون این فرصت و شانس را برایم فراهم کرد تا با ستاره بزرگ و تکرار نشدنی چون دیلیپ صاحب (کومار) کار کنم. در حقیقت خیلی سخت و مشکل است بتوانیم بگوئیم چه کسی توانایی آن را دارد که دوباره بتواند آن شخصیت‌ها را روی پرده سینما دوباره زنده و بازی کند.»

منتقدان با اشاره به حرف‌های باچان، به این موضوع اشاره می‌کنند که او از بازسازی چند کار دیگرش در سال‌های اخیر راضی نبوده است.

صنعت سینمای هند در یک دهه گذشته اقدام به دوباره‌سازی کارهای کلاسیکی چون «زن‌جیر»، «آگنی پات» و «دون» کرده است. منتقدان این فیلم‌ها را در حد و اندازه نسخه‌های اصلی ارزیابی نکردند و گفتند نتوانسته‌اند ادای دین خوبی به نسخه‌های کلاسیک خود کنند. ظاهراً باچان نمی‌خواهد قانون هم، راه سه فیلم ذکر شده را برود.

نسخه سال ۱۹۸۲ قانون را امش سیپی کارگردانی کرد و باچان و کومار در آن نقش پدر و فرزندی را داشتند که در مقابل هم قرار می‌گیرند و یک موش و گربه بازی خطرناک به راه می‌اندازند. این فیلم نمایش عمومی بسیار موفقی در هند و کشورهای همسایه داشت و اوایل انقلاب از تلویزیون ایران چند بار پخش شد. / بالیوود هنگاما



«مُعَلِّقات سبع» به چاپ هشتم رسید

کتاب «مُعَلِّقات سبع» با ترجمه عبدالمحمد آیتی به تازگی توسط انتشارات سروش به چاپ هشتم رسیده است. شعر عرب عصر جاهلیت سند تاریخ آن ایام اقوام عرب است و در این باب معلومات فراوانی را دربردارد. «معلقات سبع» عنوان قصاید هفت‌گانه مشهور برگزیده از اشعار عرب جاهلی است. گویا قصاید مزبور هرکدام به هنگام گردآمدن مردم در سوق عکاظ خوانده و برگزیده و برای مفتخر شدن به دیوار کعبه آویخته می‌شده است.

البته برخی از محققان دلایلی برای جعلی بودن این داستان آورده‌اند و معتقدند این قصاید طوال را خفاد الراویه (۱۵۶ق.) در آغاز دولت عباسی گردآوری کرده است. این قصاید را ۷ شاعر سروده‌اند: امرء القیس، ظرفه العبد، زهیر بن ابی‌سلمی، لبید بن ربیعہ، عمرو بن کلثوم، عنترة بن شداد، و حارث بن عجله.

برخی از محققان این قصاید مشهور را ۸ قصیده و برخی ۱۰ قصیده دانسته‌اند، ولی قول معروف همان ۷ تاست. این قصاید جز ارزش ادبی و زبانی از لحاظ تاریخی، جامعه‌شناختی، و روان‌شناختی قوم عرب عهد جاهلیت نیز بسی ارزشمندند. چاپ هشتم کتاب «مُعَلِّقات سبع» با ۱۳۲ صفحه، شمارگان ۵۰۰ نسخه و قیمت ۴۰ هزار تومان عرضه شده است.

